



خیانت و جنایت

محمد غمخوار

سردبیر تپش

در قسمت‌های قبل خواندید عماد دو پسر بچه‌اش را به داخل حمام برد و آنها را به طرز هولناکی به قتل رساند. او منتظر زینت همسرش شد تا او را هم بکشد اما قبل از اجرای نقشه‌اش، زن جوان از دستش فرار کرد. همزمان دختر و پسر مش‌رحیم به‌طور مشکوکی ناپدید شدند. افسری جوان، مسئول رسیدگی به این پرونده شد که صحبت‌های زینت و مش‌رحیم در حیات پاسگاه باعث شد به ماجرا شک کند. مش‌رحیم، زینت را عروسش معرفی کرد و گفت: این زن، همسر مهران، پسر من است. سروان از زینت بازجویی به عمل آورد و بعد سراغ عماد رفت و مخفیگاهش را زیر نظر گرفت و پس از دستگیر کردنش، شبانه از او بازجویی کرد. پس از اقرارهای قاتل سنگدل، جسد تکه‌تکه‌شده نرگس از داخل باغچه خانه قاتل و جسد مهران از داخل چاهی در دامداری دوست افغان عماد پیدا شد. با کشف جسد‌ها، راز چهار جنایت فاش و پرونده برای محاکمه به دادگاه ارسال شد. از اینجا ماجرا قرار است به‌عنوان خبرنگار حاضر در دادگاه، جزئیات هولناک را روایت کنم. در ابتدای جلسه دادگاه نماینده دادستان در جایگاه ایستاد و با تشریح ماجرا گفت: ابتدا تصور می‌شد با قتل دو کودک روبه‌رو هستیم اما بعد با چهار قتل مواجه شدیم. با توجه به قساوت قاتل برای او درخواست اشد مجازات دارم.

و حالا ادامه داستان

بعد از قرائت کیفرخواست همه‌های در دادگاه به پا شد. رئیس دادگاه برای چندمین بار تذکر داد و این بار با جدیتی بیشتر گفت: «اگر کسی مخل نظم دادگاه شود با او طبق قانون برخورد می‌شود.» تذکر قاضی دوباره سکوت سنگینی را بر دادگاه حاکم کرد. این سکوت با صحبت‌های قاضی دوباره شکست. او از مش‌رحیم خواست به‌عنوان اولیای دم نرگس و مهران در جایگاه قرار بگیرد و درخواستش را بیان کند. پیرمرد که در این چند ماه چند سال پیرتر شده بود، وقتی پشت تریبون قرار گرفت نگاهی همراه با خشم به عماد و زینت انداخت و گفت: «آقای قاضی این دو نفر با نقشه سیاه‌شان زندگی من را نابود کردند. بچه‌های ساده من و خودم که با این سن از آنها ساده‌تر بودم، فریب خوردیم؛ فریبی که جان دو فرزندم را گرفت. خودم هم ماه‌هاست مرده‌ام.»

مش‌رحیم روزی را به یاد آورد که مهران با شرمی در چهره‌اش روبه‌روی او نشست و از دختری گفت که به او علاقه‌مند شده و قصد ازدواج با او را داشت. مهران گفته بود، زینت دانشجوی پزشکی است و قرار است یک خانم دکتر عروسش شود.

مش‌رحیم پسرش را می‌شناخت و می‌دانست او عاشق شده است. سال‌ها چشم‌انتظار دیدن دامادی مهران و عروسی نرگس بود. بچه‌ها بزرگ شده بودند و حالا نوبت سروسامان دادن‌شان بود.

پدر و مادر زینت در یک تصادف کشته شده بودند و او با دایه‌اش عماد زندگی می‌کرد. مش‌رحیم با عماد تماس گرفت و قرار و مدار خواستگاری را گذاشت. برای آخر هفته کت‌وشلوار پوشیده راهی خانه عروس در

روستایی دیگر شدند و خیلی زود قرار و مدار عروسی را گذاشتند.

قرار شد عماد کارهای محضر و عقد را انجام دهد. شناسنامه مهران و زینت را گرفت و به دفترخانه رفت. قرار شد جشن عقد را در خانه مش‌رحیم برگزار کنند. پیرمرد کل خانه را ریسه کشید و میوه و شیرینی خرید و اهالی محل و فامیل را دعوت کرد. آفتاب تازه غروب کرده بود که عروس و داماد با صدای کل‌کشیدن زنان فامیل وارد حیات شدند. پشت سرشان عماد و عاقد وارد خانه شدند؛ عاقدی که الان به اتهام جعل عنوان در ردیف متهمان نشسته بود.

یک ماه بعد از عقد، عماد زنگ زد و از مش‌رحیم اجازه گرفت برای امر خیر آخر هفته به خانه‌شان بیایند. شب جمعه عماد و همراه مردی جوانی با گل و شیرینی به خانه پیرمرد آمدند. عماد مجلس را دست گرفت و گفت: این شازده که می‌بینید برادرزاده‌ام میلاد است. در جنوب مهندس پروژه است. تصمیم گرفتیم برایش زن بگیریم و دیدیم چه کسی بهتر از نرگس خانم، نجیب، پاک و کدبانو. البته اختیاردارش شما هستید و هر چه شما بگویید. زینت که متوجه فضای سنگین مراسم شده بود، از نرگس خواست چای بیاورد.

مش‌رحیم به اینجاى ماجرا که رسید آهی کشید و مکثی کرد. بعد در حالی که سرش را میان دو دستش گرفته بود، گفت: آقای قاضی من همان شب به اینها شک کردم و مخالف ازدواج نرگس و میلاد بودم. چگونه این طایفه بی‌پدر و مادر بودند و همه کس آنها عماد بود؟ بیچاره مهران همچون موم در دست این زن و شوهر بود و آنها این قدر در گوش پسر من خواندند که هم خودش راضی شد و هم من را راضی کرد.

پیرمرد بعد رو کرد به عماد و زینت. لیزه‌ای به صدایش افتاد بود: «من و بچه‌هایم چه بدی به

شما کرده بودیم که خانه‌خراشیم کردید. کوتاه نمی‌آیم و تا شما را بالای چوبه دار نینیم، آرام نمی‌گیرم. آقای قاضی این زن و مرد هر دو مقصر هستند و هر دوتایشان باید اعدام شوند. اینها به بچه‌های خودشان رحم نکردند و اگر آزاد شوند، دوباره آدم‌های بیشتری را می‌کشند.»

قاضی به مش‌رحیم اطمینان داد، قرار نیست متهمان آزاد شوند.

پس از درخواست نماینده دادستان و مش‌رحیم حالا نوبت عماد و زینت بود که راز این جنایت را فاش کنند. اضطراب در چهره عماد موج می‌زد و نرگس هم چادر را روی صورتش کشیده بود.

رئیس دادگاه از عماد خواست در جایگاه متهم قرار بگیرد. به مامور زندان هم تذکر داد داستان متهمان در دادگاه باید باز شود. سرتیم محافظ زندان با کلیدی دستان زینت و عماد را باز کرد.

هیكل عماد پشت تریبون دادگاه مخفی مانده بود. در سال‌هایی که خبرنگار حوادث هستم، با قاتلانی در دادگاه روبه‌رو شده‌ام که چهره‌ای آرام و خونسرد با جثه‌ای کوچک داشتند اما جنایت‌هایی هولناک را رقم زده‌اند.

جنایت‌هایی که باورش برای بستگان درجه‌یک آنها سخت بود. مثل قاتل سریالی زنان در کرج، بیجه و مهین قدیری قاتل زنان قزوین. از نگاه جرم‌شناسی نام عماد را هم باید در کنار این قاتلان قرار داد. مردی که افشای جنایت‌هایش اهالی روستا را شوکه کرد و اوایل شایعه شده بود قاتل زینت است و عماد را سربه‌نیست کرده تا قتل بچه‌ها را گردن او بیندازد و بگوید فرار کرده است.

حالا مرد آرام روستا به اتهام قتل چهار نفر که دو نفرشان بچه‌هایش بودند، پشت تریبون ایستاده بود و اضطراب و وحشت در آن چهره آرام موج می‌زد.

داستان

تپش

ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۷

چهارشنبه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۶۷

تأثیر اوقات فراغت بر شخصیت کودک

سرهنگ علی بصیری

معاون اجتماعی انتظامی استان سمنان

در پایان سال تحصیلی اکثر دانش‌آموزان و خانواده‌ها با موضوع تعطیلات تابستانی و اوقات فراغت دانش‌آموزان روبه‌رو هستند؛ واژه «اوقات فراغت» مفهوم آشنایی است اما برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد و دریافت افراد از آن متنوع و گوناگون است.

این تنوع دریافت نشان‌دهنده آن است که این واژه به‌ظاهر ساده، مفهومی پیچیده دارد، عده‌ای فراغت را زمانی می‌دانند که به آنها این اجازه را می‌دهد که از روی میل و اختیار هر کاری که دل‌شان می‌خواهد انجام دهند و عده‌ای دیگر ممکن است به اوقات فراغت به‌عنوان یک فعالیت نگاه کنند. گذراندن اوقات فراغت با شوق و رغبت و انگیزه بالای خود فرد انجام می‌شود و بر رشد و توانایی فرد تأثیر بسزایی دارد و باعث تقویت اعتمادبه‌نفس، رشد روحی، خلاقیت، سرعت و تعمیق یادگیری و اتکا به خود می‌شود. برنامه‌ریزی برای نحوه گذراندن اوقات فراغت به ارزش‌ها، نگرش و فرهنگ خانواده‌ها و افراد بستگی دارد؛ والدین باید در وهله نخست در خصوص تربیت کودک با یکدیگر همسو باشند. بسیار مهم است که والدین نقش خودشان را ایفا کرده و زمانی را به دور از تمام مشغله‌های کاری با فرزندان خود بگذرانند. کودک باید فضای ارتباطی با والدین را تجربه کرده که مسلمان در شادکامی و رشد شخصیت کودک نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

اوقات فراغت زمان بیکاری کودک است که باید از آن لذت ببرد، پس باید در تنظیم برنامه‌ها، علایق و توانایی او را در نظر گرفته و خواسته او را هم جویا شوید. از او در مورد علایقش بپرسید و سعی کنید در جهت برطرف کردن نیازها و علایق او برنامه‌ریزی کنید. بسیار اهمیت دارد که کودک یاد بگیرد برنامه‌ریز زندگی خود باشد، پس این زمان مناسبی است که قدرت تصمیم‌گیری در کودک را پرورش دهید.

روزهای تعطیل زمان مناسبی است که والدین زمان بیشتری را به فرزندان اختصاص دهند، سرگرمی‌های ساده نیز می‌تواند روحیه مشارکت را در فرزندان پرورش داده و حس مسئولیت‌پذیری آنها را تقویت کند.

برای ایجاد یک تابستان مفید باید به نکات زیر توجه داشت:

«سعی کنید حتما در برنامه اوقات فراغت فرزندان‌تان، بنا به علاقه‌شان ورزش را در اولویت قرار دهید.

«فرصت مطالعه ایجاد کنید.

«گردش و مسافرت را فراموش نکنید؛ این موضوع یکی از نیازهای هر انسانی است. کودکان و نوجوانان از این امر نه‌تنها مستثنی نیستند، بلکه برای رشد و کسب تجربه‌های بیشتر به آن نیاز دارند.

«فرزندان‌تان را برای ایفای نقش‌های آینده در زندگی‌شان آماده کنید.

در پایان باید توجه داشت کسانی که در کودکی و نوجوانی تحت آموزش صحیح استاد و شاگردی و مهارت‌های عملی قرار می‌گیرند، در بزرگسالی موفق‌تر از کسانی هستند که فقط درس خوانده‌اند.